

عنوان مقاله:

شورش های اجتماعی و مساله ی محرومیت نسبی (مطالعه موردی: قیام 15 خرداد در ورامین)

محل انتشار:

فصلنامه سیاست، دوره 1، شماره 3 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسندگان:

علی اردستانی - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه سمنان

احسان تاجیک - کارشناس ارشد و مدرس مدعو گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور واحد ایوانکی

خلاصه مقاله:

اهمیت قیام 15 خرداد در پیروزی انقلاب اسلامی امری نیست که بر کسی پوشیده باشد. در واقع اگر بخواهیم برنقطه عطفی در روابط میان دولت و ملت در رژیم انگشت بگذاریم، باید بر همین امر تاکید کنیم. پیروزی هر انقلابی به مجموع های از عوامل عینی و ذهنی وابسته است؛ از جمله؛ رهبری، سازماندهی نیروها و نارضایتی عمومی که عمدتاً در شکل خشونت های اجتماعی نظیر اعتصابات، تظاهرات، شورشها و جنگ داخلی بروز می یابد. انقلاب اسلامی سال 1357 نیز خارج از این قاعده نمی باشد و در پیروزی آن تمامی این عوامل را می توان به نوعی جستجو کرد. صرف نظر از عوامل دخیل در پیروزی انقلاب ها، شورش های اجتماعی بحثی اساسی در نظریه های انقلاب هستند که به واسطه ی همین اهمیت، نظریه های مختلف کوشیده اند آن را توضیح دهند. یکی از مهمترین این نظریه ها، نظریه محرومیت نسبی می باشد. تا آنجا که به انقلاب سال 57 مربوط می شود، بدون تردید مه مترین این شورش ها را باید در شورش اجتماعی 15 خرداد سال 1342 جستجو کرد. مقاله حاضر می کوشد با تمرکز بر یکی از مهمترین کانون های این شورش اجتماعی یعنی منطقه ی ورامین و در پرتو نظریه محرومیت نسبی به بررسی زمینه های شکل گیری این شورش اجتماعی بپردازد.

کلمات کلیدی:

خشونت مدنی، شورش، محرومیت، روحانیت، انقلاب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/803505>

